

فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

شماره سوم - پاییز ۱۳۸۸

صص ۳۲ - ۱۱

دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی ایران و ژئوپلیتیک نوین عراق

محمود کتابی^۱ - احمد راستینه^۲

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۲۵

تاریخ تصویب: ۸۸/۹/۱۲

چکیده

جایگاه سیاست جغرافیایی (ژئوپلیتیک) و جغرافیای اقتصادی (ژئواکونومیک) ایران در جهان و جایگاه ایدئولوژیک و جغرافیای فرهنگی (ژئوکالچر) آن در جهان اسلام باعث شده تا این کشور خواسته یا ناخواسته در متن تحولات مهم جهانی قرار گیرد؛ ژئوپلیتیک ایران به علت قرار گرفتن در منطقه‌ای از جهان با حساسیت‌های امنیتی-سیاسی حاکم بر آن همواره دستخوش تغییرات عمده‌ای بوده است. ایران در راستای تأمین توسعه، رفاه، امنیت و ارتقای منزلت بین‌المللی برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز خود همواره در مسیر انتخاب‌های دشواری قرار داشته است؛ به گونه‌ای که نیازمند بررسی و تحلیل پیوسته ژئوپلیتیک خود و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است، تا بتواند با اتخاذ تعاملی سازنده و مؤثر در سیاست خارجی خود حداکثر فرصت را فراهم آورد و تهدیدهای ناشی از تغییرات ژئوپلیتیک پیرامون خود را به حداقل برساند. به‌ویژه لازم است از فرصت‌های فراچنگ آمده در مرزهای غربی خود در ارتباط

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

۲. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

با مؤلفه‌های ژئوپلیتیک نوین عراق، برای منافع ملی خود اقدام کند. هدف این مقاله بررسی الزامات تعامل سازنده در سیاست خارجی ایران نسبت به عراق با توجه به ژئوپلیتیک نوین این کشور است.
واژه‌های اساسی: دکترین تعامل سازنده، ژئوپلیتیک، سند چشم‌انداز، سیاست خارجی، عراق.

مقدمه

کشورها برای دستیابی به اهداف برنامه‌ریزی شده به‌منظور تأمین رفاه، امنیت و منزلت شایسته - در مقایسه با کشورهای پیرامونی خود - به تدوین راهبردهای مختلف نیاز دارند. ایران نیز به‌منظور بالا بردن توان و منزلت خود در مقایسه با کشورهای منطقه به تدوین سند چشم‌انداز پرداخت، تا با نشان دادن افق آینده، راهبردهای چندگانه را با عملکردهای بین بخشی پیوند زند و مسیر توسعه داخلی را در راستای تعاملات بین‌المللی و منطقه‌ای نمایان سازد، اما این مهم نیاز به تدوین یک سیاست خارجی پویا دارد تا با برقراری روابط مؤثر و تعامل سازنده با کشورهای منطقه و قدرتهای فرامنطقه‌ای نقش و جایگاه خود را در منطقه برای نیل به اهداف سند چشم‌انداز، که قرار گرفتن در جایگاه برتر منطقه‌ای است، ارتقا بخشد.

تحولات اخیر جهانی و منطقه‌ای به‌خصوص پس از واقعه یازدهم سپتامبر باعث شده تا ایران در تمامی حوزه‌های ژئوپلیتیک مجاور خود دارای نقشی مؤثر شود، به‌خصوص تحولات اخیر عراق که فرصت‌های جدیدی را برای ایفای نقش ایران در منطقه خلق کرده است، هر چند این تغییرات می‌تواند حامل تهدیداتی نیز باشد. بنابراین امروز برای سیاستمداران ایرانی توجه به این موارد حایز اهمیت است: ۱. شناخت ژئوپلیتیک نوین حوزه‌های ژئوپلیتیک پیرامون ایران به‌خصوص ژئوپلیتیک نوین حوزه غرب (که می‌توان از آن با نام خاورمیانه کوچک یاد کرد). ۲. طراحی دکترین تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌المللی ایران با کشورهای منطقه و جهان برای حداکثرسازی فرصتهای خلق شده و به حداقل رساندن تهدیدات آینده.

طراحی دکترین یاد شده نیازمند شناخت مؤلفه‌های ژئوپلیتیک ایران در حوزه‌های ژئوپلیتیک مجاور این کشور است. لازم است با نگاهی واقع‌بینانه به حضور

قدرتهای فرامنطقه‌ای (به‌ویژه ایالات متحده آمریکا) در منطقه، با ایجاد یک ائتلاف نانوشته میان کشورهای منطقه، در برابر افزایش نقش مداخله‌گرایانه این کشور اقدام شود.

مبانی نظری تحقیق

ژئوپلیتیک در مفهوم امروزی خود درباره تکامل جهان سیاسی، به‌عنوان نظامی به هم وابسته و پیوسته در سطوح مختلف محلی، ملی و بین‌المللی تمرکز یافته است و مستلزم توجه و مطالعه دیگر عوامل ژئوپلیتیکی یعنی نیروهای فراملی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (لاکوست، ۱۳۷۸: ۱۵). تأثیر عمیق ژئوپلیتیک بر تحولات نظام جهانی باعث گردیده تا برخی از اندیشمندان، قرن بیستم را قرن ژئوپلیتیک نام نهند (اتوتایل و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۹). کمتر حادثه یا رویدادی را می‌توان در این قرن سراغ گرفت که به‌نحوی از ژئوپلیتیک متأثر نباشد. در رأس همه مسائل، جنگ سرد و سیاستهای استعماری، تلاش قدرتهای بزرگ برای سلطه بر کشورها و نقاط استراتژیک جهان قرار داشت (خالدی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۵۳). حتی پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی نیز نتوانست از اهمیت مسائل ژئوپلیتیک بکاهد و بسیاری از اندیشمندان برای توصیف وضع جهان پس از جنگ سرد، باز به نظریه‌های مرتبط با ژئوپلیتیک متوسل شدند. این تلاش‌ها و مطالعات که در پیوند نزدیک با قدرت بود، با طرح نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما (Fukuyama, 1989: 89) آغاز شد و با «نظم نوین جهانی» جرج بوش و نظریه جنجال برانگیز ساموئل هانتینگتون یعنی «برخورد تمدن‌ها» (Huntington, 1993: 119) ادامه یافت و باید پذیرفت که انتخاب «شعار تغییر» از طرف اواما رئیس‌جمهور جدید امریکا مقدمه‌ای است برای خلق نظریه نوینی که قطعاً مؤلفه‌های ژئوپلیتیک در آن نقشی بسزا خواهند داشت.

در قرن بیست و یکم، جهان بیش از پیش شاهد اثرگذاری ژئوپلیتیک بر محیط بین‌الملل خواهد بود. البته مشخص است، پیوند عمیق میان قدرت و مؤلفه‌های ژئوپلیتیک از یک‌سو و نقش قدرت به‌عنوان متغیر میانجی در رابطه بین ژئوپلیتیک و روابط بین‌المللی از سوی دیگر، باعث شده تا سیاستمداران به‌منظور حداکثرسازی منافع ملی خود و رفع تهدیدهای بین‌المللی به شناخت مؤلفه‌های ژئوپلیتیک خود و سایر

کشورها اقدام نمایند و از آنجا که از قدرت، به‌عنوان موتور محرکه نظام بین‌الملل و هدف اصلی رفتار دولتها یاد می‌شود و مهمترین خصیصه آن پویایی است (59-55: Goldstein, 1999)، این خصیصه باعث می‌شود تا نقش عوامل ژئوپلیتیک در تعریف قدرت بسیار حایز اهمیت شود، چون این عوامل می‌توانند بستر لازم برای پویایی روزافزون قدرت را فراهم نمایند و این ویژگی باعث می‌شود تا جایگاه کشورها در سلسله‌مراتب قدرت در نظام بین‌الملل به بهره‌برداری آنها از مؤلفه‌های ژئوپلیتیک خود و حوزه‌های پیرامونی وابسته گردد.

در اصل هدف نهایی ژئوپلیتیک از تشریح ساختار روابط بازیگران و چارچوب‌های جغرافیایی قدرت، ارائه این دید به سیاستگذاران است که منابع قدرت حاصل برآیند چه عناصری هستند و چگونه این منابع بر شکل‌گیری نظام ژئوپلیتیک جهانی و روابط قدرت در سطح جهانی و منطقه‌ای و نیز مناسبات بین‌المللی تأثیر می‌گذارد (عزتی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲).

برای دستیابی به یک سیاست خارجی اثربخش و کارآمد مبتنی بر ژئوپلیتیک باید بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به‌وجود آمده از وضعیت و موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید کرد، بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید برای اتخاذ دکترین تعامل سازنده و مؤثر در سیاست خارجی خود به مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و حوزه‌های پیرامونی خود بسیار توجه کند و فراموش نکند که این کشور در «چهارراه حوادث» جهان واقع گردیده و امکان اتخاذ سیاست بی‌طرفی از سوی آن در رویدادهای مهم منطقه‌ای و جهانی غیرممکن است، چرا که در دوران گذار و تحول ساختار نظام بین‌الملل، از نظر مکانی همه فضاها جغرافیایی به‌طور مشابه دستخوش تحول نخواهند بود، بلکه معمولاً فضاها جغرافیایی که از نظر نزدیکی به کانون تحولات یا بر اثر داشتن مزیت‌های خاص فکری و تاریخی، منابع ثروت و انرژی و یا برتری ذاتی جغرافیایی و ارتباطی اهمیت دارند، بیشتر از دیگر فضاها متأثر از تحولات و دگرگونی‌ها خواهند شد. بنابراین ایران که به گفته گراهام فولر قبله یا مرکز عالم است، نمی‌تواند نسبت به تحولات بین‌المللی بی‌اعتنا باشد و البته اگر به تجربه تاریخی خود در اتخاذ سیاست بی‌طرفی در دو مقطع از تاریخ یعنی، جنگ جهانی اول و دوم رجوع

کند به یاد خواهد آورد که در هر دو بار از سوی قدرتهای اصلی درگیر جنگ، نادیده گرفته شد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۰-۶۵).

اکنون که ایالات متحده آمریکا در صدد است تا دامنه جغرافیایی کشورهای تشکیل‌دهنده خاورمیانه را تا جایی که خطوط بنیادگرایی و یا از دید آمریکا «تروریسم» ادامه می‌یابد، گسترش بخشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۹۹-۱۹۷) و از فرصت یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ در راستای تحقق «نظریه نظم نوین جهانی» خود بهره‌مند گردد و به همین منظور با لشکرکشی به این منطقه و ایجاد یک وضعیت امنیتی به دنبال حضور بلندمدت خود در منطقه است. اکنون نیز که اواما با شعار تغییر و راهبرد قدرت هوشمند (smart power) پا در عرصه سیاست جهانی گذاشته، به دنبال آن است که با به‌کارگیری این راهبرد تلاش نماید تا منافع دوستان و متحدان خود را بیش از پیش تعقیب نماید تا بتواند از پشتیبانی و همراهی آنها در مواقع لزوم برای نیل به سیاستهای جهانی خود بهره‌مند گردد، بنابراین جمهوری اسلامی ایران ناگزیر از تعریف نوعی از سیاست خارجی خود بوده تا از این وضعیت امنیتی که با منافع ایالات متحده آمریکا گره خورده و منطقه پیرامونی ایران را در کانون معادلات جهانی قرار داده است (افتخاری، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۰)، حداکثر بهره‌برداری را در کسب منافع ملی خود در قالب یک دکترین تعامل سازنده بنماید. بدیهی است این فرصت بیش از پیش در حوزه غرب ایران و ژئوپلیتیک نوین عراق مهیا است.

روش تحقیق

این تحقیق به دنبال آزمون و ارزیابی فرضیه زیر است:

ژئوپلیتیک نوین عراق، اقتضا می‌کند که جمهوری اسلامی ایران برای حداکثرسازی منافع ملی خود به اتخاذ یک دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی خود مبتنی بر مؤلفه‌های ژئوپلیتیک نوین عراق اقدام نماید.

اطلاعات مورد نیاز برای انجام این تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اینترنتی گردآوری شده است و سعی شده تا معتبرترین و جدیدترین اطلاعات آماری به کار گرفته شود. به‌منظور ارزیابی و آزمون این فرضیه و تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

- متغیرهای اثرگذار بر تکوین دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی ج.ا. ایران
۱. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تعادل ژئوپلیتیک جهان را به هم زد و فرصتی برای ایالات متحده فراهم نمود تا در نبود رقیب، نظم نوین مورد علاقه خود را در جهان شکل دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۵۲).
 ۲. بسیاری از نظریه‌پردازان، فروپاشی شوروی را مقدمه‌ای برای ورود جهان به عصر شکل‌گیری نظام تک‌قطبی در نظام بین‌المللی نامیده‌اند (معین‌الدینی، ۱۳۸۵: ۱۳۹).
 ۳. نظریه‌پردازان از فوکویاما در «پایان تاریخ» تا نویسندگانی همچون فرید زکریا به ترویج این ایده پرداختند که «فقط یک ایدئولوژی بر جای مانده و آن سرمایه‌داری لیبرال دموکراتیک است و همچنین یک تشکیلات فراگیر جهانی وجود دارد که همان ایالات متحده است» (ایکنبری، ۱۳۸۳: ۱۵-۱۸).
 ۴. مقامات ایالات متحده آمریکا در دو مرحله سخنانی همچون سخنان ناپلئون که هدف از فتح مصر را «بازستاندن حقوق مصریان از جباران» نامیده بود، (خالدی، ۱۳۸۰: ۱۶) بر زبان راندند. یک‌بار به سال ۱۹۹۱، وقتی بوش پدر آماده حضور در منطقه خلیج فارس می‌شد اعلام کرد: «امید بشر به ما معطوف شده است، ما امریکایی هستیم و مسئولیت منحصر به فرد تأمین آزادی به عهده ماست.» (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۲۵۳) و بار دیگر در سال ۲۰۰۱، در پی حوادث یازدهم سپتامبر از زمانی که بوش پسر اعلام داشت: «هر کشور در هر منطقه، اکنون باید تصمیم بگیرد یا با ماست یا با تروریست‌ها» و این‌گونه شد که در این مبارزات، ایالات متحده آمریکا خود را رهبر «دنیای خیر» در برابر «دنیای شر» خواند (عزیزی، ۱۳۸۱: ۸۳۸).
 ۵. در حالی که صاحب‌نظران، شکل‌گیری گفتمان «جهانی شدن» را پایانی بر مفهوم «قلمروهای مرزی» می‌دانستند و با اعتقاد به پایان مقوله «نظام دولت مبتنی بر سرزمین» نظریه «دهکده جهانی» را تحقق‌یافته تصور می‌کردند و آن را پایان حوزه مطالعات سنتی ژئوپلیتیک درباره مفهوم «مرز» می‌دانستند (افضلی، ۱۳۸۵: ۱۵۶) به ناگاه با پدید آمدن ژئوپلیتیک نوینی در عراق و قدرت‌یابی دشمنان ایدئولوژیک خود در آن، دریافتند برای بهره‌برداری از منابع انرژی این کشور و یا ایجاد یک رابطه تجاری با آن نه تنها باید حاکمیت سیاسی عراق را در محدوده مرزهای آن بپذیرند، بلکه باید در سایه قدرت خود به قدرتهای منطقه‌ای به‌ویژه ایران نیز توجه نمایند.

۶. هر چند پس از حادثه یازدهم سپتامبر «امنیتی کردن محیط بین‌الملل در اولویت برنامه‌های سیاست خارجی کشورهای توسعه‌یافته قرار گرفت» (اسنایدر، ۱۳۸۴: ۱۷۶). اما همین فضای امنیتی فرصتی شد تا نقش قدرتهای منطقه‌ای از جمله ایران در مسائل بین‌المللی برجسته گردد.

۷. حادثه یازدهم سپتامبر باعث شده تا ژئوپلیتیک با مفهوم امنیت گره بخورد. بر این اساس تحولات ژئوپلیتیک در نظام بین‌الملل جدید معطوف به مقوله امنیت، و فرایند تأمین امنیت مستلزم ایجاد تحولات ژئوپلیتیک در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی است (براون و شلی، ۱۳۸۳: ۱۵). بنابراین آنچه در مؤلفه‌های دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی نقش اساسی ایفا خواهد نمود؛ «فرایند تأمین امنیت در سایه تحولات ژئوپلیتیک» است.

۸. ایالات متحده آمریکا به دنبال تغییر نقشه ژئوپلیتیک عراق، اقدام به اشغال آن نمود و تلاش کرد تا با شکل‌گیری دولت مستقل کردستان که هم‌اکنون زرمه‌های ایجاد آن در بین کردهای منطقه و به‌ویژه برنامه‌های سیاسی احزاب عمده گرد، در عراق و همچنین ترکیه شنیده می‌شود، (ملا عمر عیسی، ۱۳۸۰: ۲۱۸)، علاوه بر آنکه اهداف طرح خاورمیانه بزرگ را دنبال می‌کند، دو دولت ایران و سوریه را با چالش‌های مرزی عمده‌ای رویارو کند.

۹. ایالات متحده آمریکا در صدد است از نقش ممتاز فناوری اطلاعات و ارتباطات که باعث جهانی شدن سرمایه، ایدئولوژی و فرهنگ شده، سرنوشت مکان‌ها را به یکدیگر وابسته ساخته و اشکال جدیدی در خصوص اتفاق نظر سیاسی بین مکانها به‌وجود آورده، استفاده نماید و البته در چنین فرایندی به دنبال آن است تا هویت جوامع دستخوش تغییراتی شوند که با ساختارهای جدید انطباق یابند. همچنین جامعه اطلاعاتی، اجتماعات و هویت‌های جدیدی خلق می‌کند. در جامعه‌ای که به ارتباطات مبتنی بر صنعت چاپ، تلویزیون و تلفن متکی است، شیوه تولید به‌گونه‌ای است که هویت‌ها را به‌صورت مستقل و آشکار درمی‌آورد، اما در جامعه اطلاعاتی جامعه‌ای که در آن ارتباطات الکترونیکی سیطره دارد ذهنیت‌ها و هویت‌های ناپایدار، چندلایه و پراکنده ظهور می‌کند (پاستر، ۱۳۷۷: ۶۹-۶۸). در «عصر دوم رسانه‌ها» در دوره جدید که اینترنت و ارتباطات الکترونیکی در جوامع سیطره دارد، این داده‌ها و اطلاعات و یا

به عبارت دقیق کلمه این مجموعه‌های مجازی هستند که هویت افراد را می‌سازند. (کوزر، ۱۳۷۸: ۵۲۷). بنابراین همان‌گونه که قبل از اشغال عراق از سوی آمریکا، اذهان مردم عراق به تسخیر پیام‌های الکترونیکی بزرگترین دارنده شبکه رسانه‌ای دنیا درآمده بود، اکنون نیز آمریکا درصدد است به مدد ارتباطات الکترونیکی، انتخاب‌های متعددی از هویت‌های عصر پست‌مدرنیسم پیش روی ملت عراق قرار دهد و اینجاست که ضرورت توجه به نقش فناوری اطلاعات در ایجاد به هم پیوستگی فرهنگ سیاسی دو ملت در دکترین تعامل سازنده سیاست خارجی ایران ضروری می‌نماید.

تحلیل یافته‌های تحقیق

ژئوپلیتیک نوین عراق و الگوی دکترین تعامل سازنده ایران

اشغال عراق از سوی ایالات متحده آمریکا به ظهور ژئوپلیتیک نوینی از عراق منتهی شده که حامل فرصتها و چالش‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران است، بنابراین قبل از هر چیز باید دید سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قالب چه الگویی تدوین شود تا در جهت رفع چالش‌ها و استفاده از فرصتها موفق باشد؟ بنابراین ابتدا تعریفی از دکترین سازنده ارائه می‌گردد؛

دکترین تعامل سازنده سیاستی فعال، پویا، تأثیرگذار، جهت‌دار، منطبق بر مؤلفه‌های ژئوپلیتیک با خاصیت همپوشانی نقاط ضعف و قوت منطقه است که با شناختی دقیق از معادلات سیاسی و تحولات ژئوپلیتیک تلاش دارد تا ایران را به‌عنوان بازیگری قدرتمند در صحنه روابط بین‌الملل و گزینه‌ای بی‌بدیل در حفظ و ثبات منطقه معرفی نماید. این سیاست باید در سطوح مختلف جهانی، جهان اسلام، منطقه و سطح ملی اعمال گردد.

در این مقاله، «دکترین تعامل سازنده» در محدوده حوزه غرب ایران با تأکید بر عراق مورد نظر است.

مؤلفه‌های دکترین تعامل سازنده ایران با کشور عراق

از سال ۱۹۶۰، به این سو، کانون تهدید ملموس و واقعی بیرونی ایران، عراق بوده است. روابط دو کشور از این زمان تا سال ۱۹۷۵، تیره و متشنج بود و پس از آرامش کوتاه

پنجساله که ناشی از قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره بود، در نهایت دو کشور وارد طولانی‌ترین تجربه جنگی قرن بیستم پس از جنگ ویتنام شدند، جنگی که تا ژانویه ۲۰۰۱، همچنان دو دولت را در یک آتش‌بس طولانی قرار داده بود (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۳۴). از طرف دیگر عراق، یکی از مهمترین عوامل برجسته شدن بخش عمده‌ای از تضادها و تعارضات ایران و اعراب بوده است. به عبارت دیگر عراق تا قبل از فروپاشی رژیم بعث، تلاش می‌کرد تا در خط مقدم مسائل ایران و اعراب قرار گیرد؛ از این‌رو اگر به اعتقاد «گراهام فولر» ژئوپلیتیک برجسته ایران باعث شده تا از آن به‌عنوان «قبله یا مرکز عالم» یاد کنند (فولر، ۱۳۷۳: ۴۸) و عراق از نظر ژئوپلیتیک در خط مقدم ایران و اعراب قرار گرفته است، پس باید پذیرفت که عراق می‌تواند نقش یک شریان حیاتی برای این قبله عالم به‌منظور تأثیرگذاری بر جهان عرب برعهده بگیرد.

تضادهای سیاسی میان ایران و عراق که ریشه در تعارضات فرهنگی و تاریخی دو کشور داشت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به نقطه اوج خود رسید و روندی ایجاد شد که زمینه‌های منازعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی امنیتی و نظامی را فراهم نمود. قدرتهای بزرگ توانستند روند یاد شده را تشدید نمایند. جلوه‌هایی از همکاری‌گرایی امریکا و اتحاد شوروی با عراق به‌وجود آمد که منجر به شکل‌گیری جنگ هشت‌ساله شد؛ جنگی که در آن عراق به‌دنبال رفع آسیب‌پذیری ژئواستراتژیک خود یعنی نداشتن دسترسی مناسب به دریا، به‌عنوان بزرگترین تنگنای جغرافیایی خود بود (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۳۴).

هم‌اکنون دولت عراق با بحران‌های متعددی روبه‌رو است. امریکایی‌ها تلاش دارند تا روند دولت‌سازی در عراق را مبتنی بر روشهای دموکراتیک تحقق بخشند. هر چند می‌دانند این روش شیعیان را در مسند قدرت قرار خواهد داد بنابراین شرایطی ایجاد شده است که می‌توان نشانه‌های جدال راهبردی در روابط امریکا و کشورهای همسایه عراق به‌ویژه ایران را مشاهده نمود. در شرایط موجود، تحقق الگوی تعامل سازنده با عراق، تحت تأثیر مؤلفه‌های متعددی است. در چنین شرایطی لازم است علاوه بر در نظر گرفتن ملاحظات سیاست خارجی ایران، ملاحظات ملی در محدوده سرزمینی و نیز ملاحظات فراملی به گستردگی سرزمین اسلام مدنظر قرار گیرد

(حاجی‌یوسفی، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۸). از طرفی باید واقعیت حضور ایالات متحده در منطقه را نیز به‌عنوان مهمترین مداخله‌گر فرامنطقه‌ای پذیرفت، اما باید توجه نمود که به هر میزان، امریکا از قابلیت بیشتری در عراق برخوردار شود، به همان میزان مداخلات نظامی آن کشور در حوزه پیرامونی مرزهای عراق نیز افزایش خواهد یافت. در چنین شرایطی اگر روندی مورد ملاحظه قرار گیرد که بر مبنای آن، زمینه‌های تعارض استراتژیک امریکا با سایر کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران افزایش یابد، این امر با اهداف ایران از تعامل سازنده در حوزه منطقه‌ای در تعارض خواهد بود.

عناصر سازنده «دکترین تعامل سازنده» ایران با عراق

از مهمترین عناصر «دکترین تعامل سازنده ایران» با عراق شکل‌گیری همکاری و مشارکت‌گرایی بین دو کشور برای افزایش ارتباطات تجاری، فرهنگی و سیاسی با اتصال طبقه‌های اجتماعی دو ملت است. این امر نیازمند شرایط و شکل‌گیری مؤلفه‌های زیر خواهد بود:

الف) بهره‌مندی از ژئوپلیتیک فضایی عراق به‌منظور اتصال فرهنگ سیاسی دو ملت یازده سپتامبر ۲۰۰۱ آغازی بود برای شکل‌گیری راهبردهای منطبق با ژئوپلیتیک امنیتی ایالات متحده امریکا که بیانگر عبور از ژئوپلیتیک کلاسیک و نظریه‌های جهانی بود. این حادثه باعث شد تا از دل ژئوپلیتیک نوین که با قدرت یکپارچه شده ایالات متحده بر جهان سیطره یافته بود، ژئوپلیتیک فضایی به‌وجود آید و ایالات متحده تلاش نمود تا به مدد فناوری اطلاعات و ارتباطات و تغییرات جغرافیایی جهان گام‌های اساسی بردارد. آماده ساختن اذهان گروه‌های مختلف اجتماعی عراق برای پذیرش حضور ایالات متحده در عراق به‌منظور سرنگونی دولت وقت را باید موفقیت اهرم‌های اطلاعاتی و فناوری ایالات متحده تلقی کرد. بنابراین سقوط رژیم بعث عراق قبل از آنکه به‌دلیل دیکتاتوری صدام تصور شود باید به‌دلیل شکل‌گیری جامعه شبکه‌ای تحت سیطره قدرت اطلاعاتی ایالات متحده - دموکراسی الکترونیک - دانست. نارضایتی مردم از حاکمیت، فرصتی بود تا جامعه اطلاعاتی ایالات متحده امریکا، مردم عراق را به‌عنوان شهروندان جهانی بپذیرد و مقدمات حضور خود را به‌عنوان ناجی ملت عراق در اذهان

این ملت، فراهم سازد. هر چند تلاش ایالات متحده برای اشغال عراق ثابت نمود که ژئوپلیتیک هزاره سوم، برخی از اهداف خود را در فضای جغرافیای طبیعی دنبال می‌کند (Korinman, 1990: 15).

مهمترین نکته در دکترین سیاست خارجی ایران برای تعامل سازنده با عراق اشغال شده، توجه به این نکته است که امروزه اشغال سرزمین‌ها با اتکا به انحصار قدرت شبکه اطلاعات و دسترسی به اطلاعات دیجیتال در سطح جهانی، آسان شده است. فناوری اطلاعات، جهانگیر شده و به تعمیق سلطه خود بر جهان ادامه می‌دهد، به طوری که سازمانها و نظام‌های اجتماعی بدون به‌کارگیری مظاهر و نمودهای آن به سختی می‌توانند به حیات خود ادامه دهند.

ظهور جامعه اطلاعاتی باعث شده است که امکان پردازش اطلاعات، برقراری ارتباطات و نظارت بر کلیه جنبه‌های زندگی جامعه و رفتار اجتماعی فراهم شود (Beniger, 1986: 436). در چنین فرایندی هویت جامعه، دستخوش تغییراتی می‌شود تا با ساختارهای جدید مدنظر شبکه‌های اطلاعاتی انطباق یابد، بنابراین باید اشغال سرزمینی عراق را مقدمه‌ای برای اشغال فضای مجازی این جامعه دانست. اکنون که تغییر و تحول در فرهنگ سیاسی، اجتماعی عراق ناگزیر از تأثیرپذیری از الزامات سرزمینی اشغال شده گردیده است، با تغییرات مجازی در فرهنگ سیاسی مردم عراق و فراهم شدن بستر قانونی لازم در قانون اساسی عراق، اسلام جدای از سیاست یا به عبارتی اسلام مورد توجه امریکا در جامعه عراق ایفای نقش خواهد نمود. بنابراین ایران برای جلوگیری از تقویت این ژئوپلیتیک ناگزیر از تلاش برای تسخیر فضای مجازی حاکم بر این کشور است.

بنابراین از مهمترین مؤلفه‌های الگوی تعامل سازنده در سیاست خارجی ایران در عراق، باید تلاش برای حداکثرسازی مشارکت و همکاری بین دو دولت و ملت باشد، به گونه‌ای که با اتصال فرهنگ سیاسی دو ملت، راه برای معرفی بیشتر الگوی اسلام سیاسی ایران برای ملت عراق فراهم گردد. استفاده از اماکن زیارتی به‌عنوان منبع اصلی و الهام‌بخش اسلام سیاسی باید به نحو احسن در الگوی سیاست خارجی ایران، ایفای نقش نماید.

ب) تداوم چالش‌های منطقه‌ای و ساختاری در عراق

اگر چالش‌های فراروی امریکا افزایش یابد در آن شرایط می‌توان نشانه‌های مشخصی از انعطاف امریکا را در برابر فرایندهای منطقه‌ای مشاهده نمود. در چنین شرایطی می‌توان تأکید داشت که فرایندهای چالش‌زا منجر به کاهش مداخله‌گری امریکا در این حوزه گردد (محمدی و متقی، ۱۳۸۵: ۱۵۴). بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند شرایطی را در روند دیپلماتیک، پیگیری کند که منجر به همگرایی کشورهای منطقه‌ای برای چالش‌آفرینی در برابر مداخله‌گری امریکا گردد. البته نباید فراموش کرد که در این خصوص مردم عراق، خود بهترین گزینه هستند، اجماع میان علمای اهل تسنن و شیعه، همگرایی میان قومیت‌ها به‌ویژه همراهی کردها بر نبود نیروهای اشغالگر بسیار کارساز خواهد بود و ایران باید در رأس سیاست خارجی خود تلاش برای حاصل شدن این اجماع را هدف قرار دهد.

پ) تلاش برای افزایش نقش‌آفرینی نوین شیعیان در عراق

دولت ملی عراق، از زمان تأسیس آن در سال ۱۹۲۰ به علت پسا استعماری بودن برای تأمین امنیت و ثبات داخلی، به‌طور مستمر با معضلاتی روبه‌رو بوده است. پس از استقلال عراق در سال ۱۹۲۴ به دلیل وجود ریشه‌های فرهنگی و تاریخی در جامعه سنی این کشور، حکومت مدرن به سبک اروپایی در آن شکل نگرفت. (Zubaida, 1989: 131-137).

بر مبنای تقسیم‌بندی قومی- مذهبی، عراق به دو منطقه تقسیم می‌شود:

۱. نیمه جنوبی عراق: از بغداد به سمت جنوب شرقی، اکثریت با عرب‌های شیعه است.
۲. نیمه شمالی عراق: سنی مذهب هستند که عرب‌های سنی در بخش غربی و کردها در بخش شرقی ساکن هستند (ویلی، ۱۳۶۳: ۲۲-۲۱).

اکثریت جمعیت عراق را اعراب (۸۰- ۷۵ درصد) و مابقی را گروه‌های غیرعرب همچون کردها (۱۹ درصد) و ترکمن‌ها (۲ درصد) تشکیل می‌دهند. از کل جمعیت عراق ۶۰ درصد شیعه، ۳۳ درصد سنی و مابقی را سایر اقلیتها تشکیل می‌دهند (کیسین، ۱۳۸۱: ۱۷۰). با وجود این، در طول چند قرن گذشته، فرصتی برای نقش‌آفرینی شیعه در

عراق وجود نداشته است، بنابراین حمایت از شیعیان باید به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین اهداف راهبردی ایران در عراق باشد. هر چند تمامی کشورهای عربی از ایران به‌عنوان عامل برهم زننده ثبات منطقه‌ای یاد می‌کنند، اما این خود گویای آن است که شیعیان می‌توانند نقش مؤثری در آینده سیاسی عراق و خاورمیانه ایفا نمایند. باید توجه کرد که روند حمایت از شیعیان عراق باید براساس الگوهای نرم‌افزاری انجام پذیرد. تأکید بر مضامین مشارکت‌گرا و حمایت از فرایندهای دموکراتیک را می‌توان به‌عنوان نشانه‌ای از فضاسازی منطقه‌ای برای دفاع از حقوق شیعیان عراقی دانست. در هر صورت اگر عراق در روند همکاری‌گرایی سازمان‌یافته با ایران قرار گیرد، شیعیان از قدرت بیشتری برخوردار خواهند شد و تهدیدات تاریخی و سیاسی آن کشور نیز کاهش می‌یابد و در این تقویت و توسعه ژئوپلیتیک تشیع، زمینه اتحاد و یگانگی تشیع و تسنن در خاورمیانه فراهم خواهد شد (ملازهی، ۱۳۸۴: ۶۹ / زم، ۱۳۸۴: ۳۲۷).

در این شرایط است که ایران می‌تواند در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و ایجاد وحدت و همگرایی ایفای نقش کند.

ت) تلاش برای کاهش تهدیدهای ژئوپلیتیک نوین تشیع

هر چند واقعه یازدهم سپتامبر، مقدمات مبارزه با موج ارتجاع وهابی‌گری در منطقه را فراهم نمود و درنهایت باعث سرکوبی طالبان در حوزه شرق ایران و فروپاشی حزب بعث در حوزه غرب ایران گردید و با برائت عملی ایران از حوادث تروریستی در اذهان عمومی جامعه بین‌الملل فرصتهایی برای جمهوری اسلامی ایران خلق شد، اما شیعیان عراق که بعد از سالیان متمادی، فرصت را برای ایفای نقش تاریخی خود فراهم دیدند، دچار آفت‌هایی نیز گردیدند. که باید از آنها به‌عنوان تهدیدهای ژئوپلیتیک نوین تشیع نام برد.

۱. وفاق نداشتن شیعیان بر سر داشتن رهبری واحد: همان‌گونه که تا قبل از تجربه انقلاب اسلامی، شیعیان در ایران، همواره بر سر تعیین و تبعیت از رهبر واحد، گرفتار اختلاف و چالش بودند، اکنون این واقعیت برای شیعیان عراق به‌وجود آمده است. اختلاف‌نظر میان علمای نجف به ایجاد شکاف میان جبهه تشیع منجر شده است. ایران باید در

رئوس سیاست خارجی خود، ایجاد رابطه‌ای عمیق میان حوزه علمی قم و نجف را برای ارتباط هرچه بیشتر علمای این دو حوزه فراهم نماید و تلاش کند با تبیین نقش و جایگاه مرجعیت، علمای تشیع عراق را به اتحاد نظر درباره حمایت و تبعیت از مرجعیت تشیع سوق دهد. البته اگر حوزه‌های علمی قم و نجف تلاش نمایند به برنامه‌ای مشترک برای شناسایی و معرفی مراجع تشیع دست یابند، گامی مهم در این راستا برداشته‌اند.

۲. واگرایی مذهبی: جهان اسلام وارث جدایی و اختلاف دو مذهب شیعه و سنی است (فولر و لسر، ۱۳۸۴: ۱۹۹). این اختلاف از قرن نخست هجری آغاز شده و در طول تاریخ گسترش یافته است. پاره‌ای از اختلافات به طرز نگرش وقایع تاریخی و پاره‌ای دیگر به اختلاف نظر در اصول و فروع دین برمی‌گردد. اما اگر این اختلاف صرفاً بر سر این مسائل علمی بود، مانند بسیاری دیگر، با علما و متخصصان در مورد آن به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند و سرانجام یا به توافق می‌رسیدند و یا نمی‌رسیدند؛ ولی مسأله از چارچوب علمی خارج شده است و با کشیده شدن به همه اقشار جامعه، جنبه روانی پیدا کرده و در پی آن شیعه و سنی در برابر یکدیگر قرار گرفته‌اند. جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند با برخورداری نمودن شهرهای سنی‌نشین خود از امکانات، در رشد و توسعه آنها قدم‌های مؤثرتری بردارد و با ایجاد وحدت میان شیعه و سنی در کشور خود، الگوی موفق از همنشینی شیعه و سنی ارائه دهد. همچنین تلاش کند در رئوس سیاست خارجی خود، مبارزه با واگرایی میان دو مذهب شیعه و سنی را لحاظ نماید. ایجاد ارتباط با علمای اهل تسنن در عراق مقدمه‌ای بر این مهم است؛ ایران نباید فراموش کند که در صورت تشدید واگرایی میان شیعه و سنی، ژئوپلیتیک شیعه تضعیف و نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در میان شیعیان عرب، کم‌رنگ‌تر خواهد شد و شاید این روند به واگرایی‌های بخش سنی ایران نیز منجر گردد.

۳. تقویت روابط با اهل سنت در راستای ایجاد تعاملی پویا: شیعیانی که در حاکمیت عراق نقشی نداشتند، امروز به‌عنوان رهبران اصلی عراق مطرح هستند؛ چشم‌انداز ظهور یک عراق تحت نظارت شیعیان در شمال غربی خلیج فارس که روابط و پیوندهای نزدیکی با ایران داشته باشد، نگرانی عمده‌ای در جهان عرب ایجاد کرده است. اعراب سنی معتقدند که در نتیجه در دست گرفتن اداره عراق توسط یک دولت شیعی قدرتمند

و گسترش روابط آن با کشور ایران، سوریه، لبنان و حزب‌الله، «هلالی» ایجاد خواهد کرد که موازنه استراتژیک شیعیان را در قبال اعراب سنی افزایش خواهد داد و جنبش‌های آزادی‌بخش و شیعیان تحت فشار در کشورهای سنی عرب را به جوشش و سهم‌خواهی از حاکمیت، تشویق و ترغیب خواهد نمود. اولین نشانه‌های اعتراض در کویت شکل گرفته، شیعیان کویت که حدود یک سوم جمعیت کویت را شامل می‌شوند، هیچ‌گاه دارای سهمی عادلانه در مجلس کویت نبوده‌اند؛ با به قدرت رسیدن شیعیان عراق، شیعیان کویت نیز به فکر دستیابی به جایگاه عادلانه خود در حاکمیت افتاده‌اند. در عربستان سعودی نیز جمعیت شیعیان بین یک تا چهار میلیون نفر در آمارهای رسمی و غیررسمی مطرح می‌شوند (The World Fact Book: 2008) پیوندهای قوی شیعیان منطقه الاحساء با عراق، سعودی‌ها را به وحشت افکنده و معتقدند که توطئه‌ای عظیم از جانب شیعیان، مبنی بر تشکیل یک بلوک شیعه دربرگیرنده ایران، عراق، سوریه و لبنان در جریان است.

بحرین نیز مانند عراق دارای یک اکثریت شیعه است (۷۰ درصد جمعیت)، شیعیان بحرین هر چند دچار تنش‌ها و تبعیضات فرقه‌ای هستند، ولی شکل‌گیری یک عراق شیعی می‌تواند تجربه‌ای ارزشمند برای شیعیان بحرین برای تشکیل یک حزب شیعی قوی باشد.

ایالات متحده آمریکا از این فرصت استفاده نموده تا با بزرگنمایی تهدید شیعیان و انحراف اذهان تصمیم‌گیران کشورهای مسلمان و عرب منطقه از اسرائیل، به موضوع «تهدید هلال شیعی» بپردازد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران باید با تقویت روابط منطقه‌ای خود با کشورهای مسلمان و عرب همواره خطر اسرائیل را به‌عنوان دشمن مشترک مطرح سازد و با تقویت روابط حسنه خود با کشورهای اهل تسنن، موقعیت جدید شیعیان را فرصتی برای تقویت جبهه اسلام در برابر اسرائیل به‌عنوان دشمن مشترک شیعه و سنی معرفی کند و نه به‌عنوان تقابلی با اهل تسنن و این «تهدید» را که ایالات متحده آمریکا درصدد است تا با بزرگ جلوه دادن تهدید «هلال شیعی» بسترهای لازم را در میان کشورهای مسلمان منطقه برای ایجاد نوعی نظم حکومتی غیرمتمرکز در عراق فراهم سازد (خدایی، ۱۳۸۴: ۳۶۳) به «فرصت» تبدیل کند.

ث) قابلیت‌های استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و مقابله با سیاست خارجی امریکا جلوه دیگر از رفتار دیپلماتیک ایران باید در تعامل با قدرتهای بزرگ انجام شود. بازیگران منطقه‌ای با حضور و ایفای نقش ایران در عراق، هماهنگی و همگونی ندارند. اکثر بازیگران منطقه‌ای حضور ایران در عراق را به مثابه مقابله با خود ارزیابی می‌کنند بنابراین آنان از الگوهای حمایتی می‌کنند که بسترهای لازم برای جدال با ایران را به وجود آورند. در این شرایط، به‌کارگیری روشهای یک‌جانبه مطلوبیت مؤثری را برای ایران ایجاد نمی‌کند. از این‌رو باید تعاملی از ایفای نقش ملی ایران را در تعامل با واحدهای بین‌المللی و همچنین کشورهای منطقه‌ای به‌وجود آورد (محمدی و متقی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). در این میان شیعیان عراق نقشی واسطه‌ای برای تعامل ایران و اهل سنت عراق دارند و اهل سنت عراق می‌توانند فرصتهایی برای تعامل ایران و کشورهای منطقه فراهم نمایند.

تعامل‌گرایی ایران می‌تواند نمادهایی از همکاری منطقه‌ای با بازیگران بین‌المللی را به‌وجود آورد. این امر از طریق ایجاد قدرت امکان‌پذیر است. اگر ایران توجه چندانی به نقش ملی خود نداشته باشد، در آن شرایط با شکل جدیدی از بحران و جدال روبه‌رو می‌شود. ایجاد قدرت منطقه‌ای از طریق تعامل با بازیگران درون‌ساختاری این کشورها شکل می‌گیرد. بدون نشانه‌های قدرت‌سازی نمی‌توان سایر بازیگران را وادار به پذیرش جایگاه ایران نمود. اکنون که ایران در تمام حوزه‌های ژئوپلیتیکی مجاور، حضور دارد و در پیدایش تشکلهای منطقه‌ای نقش بسزایی ایفا می‌کند، به خصوص تحولات اخیر عراق که فرصتهای جدیدی برای ایفای نقش ایران در منطقه فراهم کرده است (الاهرام، ۲۰۰۵: ۲)، می‌تواند از این فرصت با قدرت‌سازی در حوزه‌های ژئوپلیتیکی، ایالات متحده امریکا را مجبور به پذیرش جایگاه منطقه‌ای خود سازد و از آنجا که ایالات متحده در تمامی حوزه‌های ژئوپلیتیکی ایران دارای منافع راهبردی است، ایران می‌تواند با پیوند مؤلفه‌های ژئوپلیتیک خود با مؤلفه‌های ژئوپلیتیک حوزه‌های پیرامونی - خلیج فارس، خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و شبه قاره - تحقق منافع ایالات متحده امریکا در منطقه را به تحقق منافع خود در منطقه گره زند.

ج) بهره‌مندی از قدرت نرم ایران در عراق

جوزف نای قدرت نرم را شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب بدون تهدید یا پاداش ملموس می‌داند. این شیوه غیرمستقیم رسیدن به نتایج مطلوب، چهره دوم قدرت است. بر این اساس یک کشور می‌تواند به مقاصد مورد نظر خود در سیاست جهانی نایل آید، چون کشورهای دیگر ارزش‌های او را می‌پذیرند (متقی، ۱۳۸۵: ۴). اکنون برجسته‌ترین مظهر و نمود قدرت ملی، قدرت فرهنگی به معنای عام و قدرت روانی—تبلیغی به معنای خاص است (سیلان اردستانی، ۱۳۸۱: ۸۱).

قدرت نرم یک کشور زمانی تأثیرگذار است که برگرفته از درون نیروهای اجتماعی یک ملت باشد، نه اینکه توسط دولت هدایت شود. ایران می‌تواند از این خصیصه در افزایش قدرت نرم خود در عراق به خوبی بهره‌مند شود. هر چند امریکا در خاورمیانه تلاش می‌کند با اتکا به جاذبه‌های فرهنگ امریکایی و قدرت بی‌نظیر رسانه‌ای خود به افزایش قدرت نرم خود بپردازد، اما ایران می‌تواند با اتکا به واقعیت‌های آموزه‌های اسلامی در خاورمیانه و از سوی دیگر دودلی و تردید ملت‌های منطقه نسبت به فرهنگ امریکایی در تقویت قدرت نرم خود گام بردارد.

رسانه‌ها به‌عنوان یکی دیگر از ابزارهای مؤثر به‌منظور ایفای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شوند. کشورهای که نسبت به قالب‌های جنگ نرم توجهی نداشته باشند، نمی‌توانند در قدرت‌سازی و تعامل منطقه‌ای نقش مؤثری ایفا نمایند. در شرایط موجود، جامعه عراقی ممکن است تحت تأثیر مضامین و رویکردهای سیاسی ایران قرار گیرد. به هر میزان جامعه ایرانی از قابلیت رسانه‌ای بیشتری برخوردار باشد، از تأثیرگذاری سیاسی مؤثرتری نیز بهره‌مند خواهد شد. در شرایط موجود، شبکه العالم به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرت رسانه‌ای ایران در عراق و سایر کشورهای عربی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه از طریق شبکه العالم منتشر می‌شود، به‌عنوان مواضع اجتماعی ایران محسوب می‌گردد. بنابراین به موازات آسیب‌پذیری‌های فناورانه در انتقال اخبار و اهداف سیاسی، ممکن است دولت ایران با آسیب‌های ناشی از انتقال مضامین سیاسی و راهبردی روبه‌رو شود. در شرایط موجود، العالم باید به‌عنوان شبکه‌ای مترقی از جنبش‌های اجتماعی در جامعه عرب و همچنین دموکراسی در عراق

حمایت به عمل آورد. ایران باید با تقویت شبکه ارتباطاتی خود و حضور فعال در دنیای مجازی بیش از پیش در راستای همسو نمودن فرهنگ سیاسی جامعه عراق با خود تلاش کند.

از مهمترین مؤلفه‌های قدرت نرم ارائه‌الگویی موفق از یک جامعه در اذهان ملتهاست. ایران باید با توسعه هرچه بیشتر شهرهای سنی‌نشین خود و فراهم نمودن رفاه، امنیت و آسایش هرچه بیشتر در این شهرها، الگوی مناسبی از همنشینی مذاهب شیعه و سنی و حاکمیت اسلامی ارائه دهد، این عاملی خواهد شد تا اهل تسنن جامعه ایرانی مؤثرترین مؤلفه در افزایش قدرت نرم ایران گردند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سرعت فزاینده تحولات منطقه آسیای جنوب غربی و تبدیل این منطقه به کانون محوری مسائل نظام بین‌الملل از جمله پدیده‌های مهم قرن بیست و یکم است که بر کلیه بازیگران سیاسی نظام بین‌الملل و به‌ویژه کشورهای منطقه تأثیر می‌گذارد.

حوادث بعد از واقعه یازدهم سپتامبر که اساساً برای تنگ نمودن فضای تنفسی کشورهای مخالف سیاستهای ایالات متحده آمریکا شکل گرفت، نه تنها همه خواسته‌های آمریکا را تحقق نبخشید، بلکه با کنار رفتن دشمنان ایدئولوژیک ایران و قدرت‌یابی شیعیان در عراق، عمق سیاست راهبردی ایران را افزایش بخشید و فرصتهای بسیاری برای جمهوری اسلامی ایران خلق نمود که ایران باید در طراحی دکتترین تعامل سازنده در سیاست خارجی خود از آنها بهره لازم را ببرد.

از مهمترین الزامات دکتترین تعامل سازنده در سیاست خارجی ایران می‌توان به تلاش برای حداکثرسازی روابط فی‌مابین ایران و عراق در همه زمینه‌ها اشاره نمود. از آنجا که عراق کشوری مسلمان با اکثریت جمعیت شیعه است، ایران می‌تواند با داشتن زیرساخت‌های مناسب در تولید مواد غذایی، بزرگترین تأمین‌کننده مواد غذایی مردم عراق باشد؛ همچنین ایران به دلیل داشتن منابع عظیم معدنی و خودکفایی در تولید برخی از مواد اولیه صنعتی، از جمله فولاد و سیمان و مصالح ساختمانی، می‌تواند نقش

ممتازی در بازسازی عراق ایفا نماید. این فرصتی است تا با حمایت از بخش خصوصی خود، برای ارتباط هرچه بیشتر بخش‌های صنعتی دو کشور فرصت لازم را فراهم نماید. توسعه روزافزون روابط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ایفای نقش مشترک در حمل و نقل کالا و خطوط انتقال انرژی و همچنین رابطه گسترده میان دو ملت، نمونه‌هایی برای الگوی تعامل سازنده در سیاست خارجی ایران است.

ایجاد بستر لازم به منظور همگرایی میان نخبگان دو ملت با افزایش مراودات علمی و مذهبی از طریق تعامل حوزه‌های دانشگاهی و حوزه‌های مذهبی باید در متن الگوی تعامل سازنده ایران قرار گیرند. مهمترین دستاورد این حرکت، ایجاد همگرایی مذهبی میان شیعه و سنی است که ایران می‌تواند با تقویت این همگرایی و تقلیل عوامل واگرایی مذهبی به افزایش نقش خود در منطقه و کاهش توانایی ایالات متحده آمریکا در چالش‌آفرینی منطقه‌ای مقابل خود مبادرت ورزد.

ایران باید تلاش نماید با توسعه هرچه بیشتر شهرهای سنی‌نشین خود و ایجاد وحدت روزافزون میان جامعه شیعه و سنی و قومیت‌های مختلف، الگوی موفق از کشوری توسعه‌یافته با مذاهب و قومیت‌های متنوع ارائه دهد. در این حالت جامعه اهل تسنن ایران، برای ایجاد همگرایی میان اهل تسنن منطقه به‌ویژه عراق با تشیع منطقه بهترین مؤلفه خواهند بود.

منابع

۱. اتوتایل و دیگران. *اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*، ترجمه محمدرضا حافظ‌نیا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۸۰.
۲. اسنایدر، گریک. *امنیت و استراتژی معاصر*، ترجمه سید حسن محمدی نجم، نشر دوره عالی جنگ، ۱۳۸۲.
۳. افتخاری، اصغر. «خاورمیانه منطقه‌ای امنیتی شده»، *فصلنامه خاورمیانه*، سال دوازدهم، شماره ۳، ۱۳۸۴.

۴. افضلی، رسول. «پیامدهای ژئوپلیتیکی یازدهم سپتامبر در منطقه خاورمیانه»، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۷، ۱۳۸۵.
۵. الاهرام. *مجله مهتارات ایرانیه*، العدد ۵۵، جمهوری مصر، العربیه، السنه الخامسه ۲۰۰۵.
۶. ایکنبری، جی جان. *تنها ابرقدرت*، ترجمه عظیم فضلی‌پور، انتشارات ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۳.
۷. براون، کتلین و فرد شلی. *ژئوپلیتیک فراگیر*، ترجمه علیرضا فرشچی، نشر دوره، تهران، ۱۳۸۳.
۸. پاستر، مارک. *عصر دوم رسانه‌ها*، ترجمه غلامحسین صالح‌یار، مؤسسه ایران، تهران، ۱۳۷۷.
۹. حاجی یوسفی، امیرمحمد. *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای*، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۴.
۱۰. حافظ‌نیا، محمدرضا. *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، انتشارات آستان قدس رضوی، تهران، ۱۳۸۵.
۱۱. خالدی، رشید. *تجدید حیات امپراتوری: ردپای غرب و مسیر مخاطره‌آمیز امریکا در خاورمیانه*، ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۵.
۱۲. خدایی، خان اوغلان. «دکترین امنیت ملی امریکا: ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه»، *کتاب امریکا (۷) ویژه دکترین امنیت ملی امریکا*، ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۴.
۱۳. زم، محمدعلی. «جمهوری جهانی شیعه»، *کتاب جمهور*، تهران، ۱۳۸۴.
۱۴. عزتی، عزت‌الله. *ژئواستراتژی*، سمت، تهران، ۱۳۸۴.
۱۵. عزیزی، سید مجتبی. «پس از یازده سپتامبر»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پنجم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۱.
۱۶. فولر، گراهام و یانلسر. *احساس محاصره (ژئوپلیتیک اسلام و غرب)*، ترجمه علیرضا فرشچی، دوره عالی جنگ، تهران، ۱۳۸۴.
۱۷. کریمی‌پور، یدالله. *ایران و همسایگان: منابع تهدید و تنش*، جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۰.
۱۸. کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ. *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی، تهران، ۱۳۷۸.

۱۹. کیسین، کارل. *جنگ عراق و امریکا، هزینه‌ها، پیامدها و گزینه‌های موجود*، ترجمه گروه مترجمان، ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۱.
۲۰. لاکوست، ایو. *عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپولیتیک*، نشر آمن، تهران، ۱۳۷۸.
۲۱. متقی، ابراهیم. «امریکا: هژمونی شکننده و راهبرد جمهوری اسلامی ایران»، *نامه دفاع*، شماره ۴، پژوهشکده راهبردی دفاعی، تهران، ۱۳۸۵.
۲۲. مجتهدزاده، پیروز. *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، سمت، تهران، ۱۳۸۱.
۲۳. محمدی، منوچهر و ابراهیم متقی. «دکترین تعامل سازنده در سیاست خارجی کشور»، *فصلنامه راهبرد یاس*، سال اول، شماره ۴، ۱۳۸۵.
۲۴. معین‌الدینی، جواد. «دگرگونی ژئوپلیتیک خاورمیانه و امنیت خلیج فارس»، *فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال بیستم، شماره ۹ و ۱۰، ۱۳۸۵.
۲۵. ملازهی، پیر محمد. «فرصت‌ها و تهدیدهای امنیتی فراسوی جمهوری اسلامی ایران در نگرش به موضوع افغانستان»، *کتاب امنیت بین‌الملل (۳)*، ابرار معاصر، تهران، ۱۳۸۴.
۲۶. ملاعمر عیسی، صالح. *بحران آفرینی ابرقدرت‌ها در کردستان عراق*، نشر توکلی، تهران، ۱۳۸۰.
۲۷. نقیب‌زاده، احمد. *جامعه‌شناسی بی‌طرفی و روان‌شناسی انزوگرایی در تاریخ دیپلماسی ایران*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.
۲۸. ویلی، جونز. ان. *نهضت‌های اسلامی شیعیان عراق*، مؤسسه اطلاعات، تهران، ۱۳۶۳.
29. Beniger, James, R. (1986). "The Control Revolution, Technological and Economic Origins of the Information Society", Harvard University Press, Massachusetts.
30. Fukuyama, Francis. (1989). "The End of History? The National Interest". N.16. Available at: www.wesjones.com/eoh.htm.
31. Goldstin, Joshua. (1999). *International Relations*, New York: London.
32. Huntington, Samuel. (1993). "The Clash of Civilizations? Foreign Affairs", 12, available at : www.foreignaffairs.org/19930601

33. Korinman Michel. (1990). "Quandl Allemagne pensait le mond. Grandeur et decandenced une geopolitique", Fayard Paris.
34. The World Fact Book: (2008).
35. Zubuida, Samir. (1989). "Islam, The people and the State", Routledge press.
36. www.whitehouse.gov/documents/organization/115539.pdf. 2615 / 2007
37. <http://www.csis.org/program/smart-power-initiative>
38. <http://www.PublicDiplomacy.org>